

راه اکتبر ادامه دارد

(به مناسبت هفتاد و دومین سالگرد انقلاب کیرسوسیالیستی اکتبر)

امسال پیشریت متوفی هفتاد و دو سالگی

پیروزی انقلاب اکبر را چشم می‌گیرد. روز ۷

نومبر ۱۹۱۷ برقم انقلاب پیروزمند

سوسیالیستی در روسیه برافراشته شد و سنگ

بنای تحقق یخشیدن به رویای بزرگ انسانی

یعنی ایجاد جامعه‌ای بری از بهره کشی انسان

از انسان و ستم طبقاتی گذشته شد.

در طی دهه ما، خلق‌های اتحاد شوروی

زیر رهبری حزب پر اقتخار لئن، یا پیمودن راهی

پر فراز و نشیب، وظیفه دشواری را به انجام

رسانند. ساختمان نخستین جامعه

سوسیالیستی در کشوری واپس مانده، آنهم در

حلقه محاصره دشمنان داخلی و خارجی. سال

های جنگ (دخالت چهارده دولت امپریالیستی

در آغاز انقلاب و تهاجم فاشیسم در سال

۱۹۴۱) و سال‌های بازسازی اقتصادی بعد از

جنگ تقریباً یک چهارم از تاریخ موجودیت

دولت شوروی را در بر می‌گیرد. همچنین در

بی‌آن، زمان "جنگ سرد" و رویارویی و مسابقه

تسليحاتی با فله پیامدهایش فرا می‌رسد.

طبعی است که وجود این عوامل می‌توانست

بر رشد زندگی اجتماعی - اقتصادی این کشور

تأثیر نکذارد. افزون بر این، اکنون همه می‌

دانند که در روند ساختمان سوسیالیسم،

خطاهایی جدی صورت گرفته است. تخریفات

دکمالیک در عرصه تنوری، پایمال سازی خشن

قادوغندیهای سوسیالیستی و انحراف از اصول

دموکراتیک، تکرش سطحی در تخلیل پدیده‌های

نوین، دوره‌های افعال در پرداخت و بویژه

تدابیر ضرور برای رشد جامعه شوروی و بهره

گیری از نیروی بالقوه سوسیالیسم وجود داشته

است.

در حال حاضر، در جامعه شوروی

ادامه در صفحه ۲

کوششی دیگر برای اجرای قطعنامه

یان الیسن، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، دکربزار به منطقه آمد تا برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت با دولت‌های ایران و عراق گفتگو کند. حالت "نه چنگ، نه صلح" در شرایطی که هنوز بخشی از خاک ایران در اشغال نیروهای عراقی است، اسرا می‌ادله نشده‌اند، هر لحظه می‌تواند به از سرگرفته شدن عملیات جنگی منجر گردد حداده‌ای که به ادعای ادامه در صفحه ۲

نامه مردم
از کانگره از جمهوری اسلامی ایران

شماره ۲۸۴، دوره هشتم،
سال ششم، ۱۶ آبان ۱۳۶۸
۲۰ ریال

مبارزه همراه با هشیاری

شکنجه گاههای رژیم هم ادامه داشته است؟ مکرر در آن ایام نبود که دستگاه‌های تبلیغاتی و ارگان‌های سرکوبکر رژیم در شهرها و خیابان‌ها، موسسات صنعتی و غیر صنعتی و... در جریان است. دو نیروی ناپایاب روحیاروی هم قرار دارند؛ ارگان‌های اطلاعاتی رژیم مجهر به مدرن ترین وسائل "شکار انسانها" از سوئی و توده ایهای از جان گذشته که جز بکارگیری شیوه‌های مبارزه مخفی، هیچ ایزاری ندارند از سوی دیگر. ارگان‌های سرکوبکر می‌کوشند تا عرصه را بر دگراندیشان تنک تر سازند و در این راه از ارتکاب هیچ جنایتی فروگزار نمی‌کنند.

روزی نیست که ماموران مخفی رژیم به خانه‌های زندانیان آزادشده پورش نبرند و انسان‌های پیکنده را برای "بازجویی" به "خانه‌های ویژه" نبرند. "بازجویی" که نوعی شکنجه روحی است، در مواردی تا ۱۰ ساعت متواتی طول می‌کشد. پرسش معیشه یکی است: چه کسانی از توده ایها در تهران و یا شهرهای دیگر به کار مخفی مشغولند؟ آیا این عمل کودکانه، مoid غفع سازمان عظیم جاسوسی رژیم نیست؟

هوادران حزب نه تنها در تهران، بلکه در همه جا حضور دارند. وقتی در جایه، آزادی را "حق آویز می‌کنند"، وقتی میلیون‌ها انسان در سرحد مرک و زندگی پسر می‌برند و بیکاری و گرانی و بی خانگانی و فساد بیداد می‌کند، انسان‌های شرافتمند و میهن دوست چگونه می‌توانند دست روی دست گذارده و در انتظار "معجزه" پیشینند؟ آنچه که بحث بر سر دفاع از توده‌های میلیونی محروم جامعه است، برای توده‌ای ها مبارزه تعطیل بردار نیست. توده‌ای همیشه رزمیده و می‌رزمد و چنانکه پارها امتحان داده، هیچ نیروی غیر تواند او را به گوشش نشینی و ادارد. ماموران وزارت اطلاعات بی جهت زندانیان آزادشده را به "بازپرسی" می‌برند. مکراین آقایان غیر دانند که فعالیت توده‌ایها، خیلی قبل از آزادی افراد پیشگفتۀ از

اینده از آن سوسیالیسم است

(پاسخ به برخی پرسش‌ها)

اگر سوسیالیسم و کمونیسم جاذبیتی ندارد، در اینصورت به چه علت صدها میلیون دلار صرف تبلیغات سوسیالیسم و کمونیسم ستیزی می‌شود؟

در صفحات ۶۰، ۵۹، ۵۸

سوسیالیسم تجسم آرمان‌های انسانها برای دستیابی به عدالت اجتماعی است.

وقتی ما از سوسیالیسم سخن می‌کوئیم، منظورمان سوسیالیسم با سیمای انسانی، سوسیالیسم در خدمت انسان و برای تامین زندگی و آزادی اوست.

زندگی پاد آزادی و صلح، سرنگون پاد رژیم "ولادت فقیه"!

ناهیه موده



قیاس به نفس

- شنیدی که رهبر "شمختانی" رو به درجه دریاداری مشغیر کرده؟
- بله. این آقا قیاس به نفس کرده. گفته وقی من یک شبه آمیت الله و "ولی فقیه" شدم، چرا این جوون رعنای تونه دریادار و فرمانده نیروی دریائی بشه؟

مساحبه

- سلام، پیششید، ما دارم برای صدا و سیما مساحبه می کنیم. اسم شما؟
- محمد پایانی.
- شغل شما؟
- بیکارا
- آها نظرتان راجع به سلمان رشدی و اهانت او به مقدسات ما چیست؟
- جهود است?
- نخیر. همون که کتاب ضاله نوشته.
- تاجر است؟
- نه، کسی که امام حکم قتل او را صادر فرمودند.

- نمیدام. امام حکم قتل چند میلیون را صادر فرمودند. این یکی را غم شناسم.

نامه یک اسیر ایرانی به خانمه ای

رهبر عزیز و محترم،
امروز نه سال است که اسیر دست عراقیها شده ام و از دیدن خانواده خود محروم. در این مدت چهار تا رئیس جمهور عرض شدند. امام رفت به سرای باقی و من کماکان اسیرم. قریابت گردم، اگر می شود کاری بکن که اصلاً ریاست جمهوری لغو شود و همه شما ها بشوید خلیفه. زیان عربی را هم که با زاری و مردن بد هستید. شاید با این عربها دوست شوید و ما را آزاد کنید. به همه خانواده خود سلام می رسانم. بعد التحریر، راستی اگر قصد مردن دارید صبر کنید تا من برگردم. مدت هاست چلوکباب نخورد ام.

باقی قدرایت - اسیر ایرانی

مرقد امام و ...

- آقا کمی هم به فکر مرقد مطهر امام باشید.
- مگر چه شده؟
- از دویست متی اش بوی چلوکباب می آید.

کنکوهای مستقیم میان ایران و عراق که سران رژیم ج. آ. آن را به بهانه های گوناگون رد می کنند، لزوماً به معنای بی توجیهی به قطعنامه ۵۹۸ نیست، ولی حاکمیت "اسلامی" می خواهد پیشبرد که در هر حال صلح پاید میان دو رژیم حاکم در جمهوری اسلامی و عراق منعقد شود. اینکه در ایران رژیم "ولایت فقیه" حکومت می کند ارتباطی به دولت عراق ندارد و تعیین نوع حکومت در عراق هم در صلاحیت حکومت ایران نیست. پنهان شدن نیز نتاب "عربیت" یا "اسلام" به منظور دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه و منطقه مجاز نیست. از جمله موضع منفی سران رژیم در قبال نشست اخیر مجلس لبنان در طائف که راه حل های نسبتاً سازنده ای برای حل و فصل جنگ داخلی لبنان ارائه داده است، به این بهانه که مسلمانان در لبنان ۷۵ درصد و مسیحیان ۲۵ درصد جمعیت اند و دادن قول ارسال کمک های نظامی و غیر نظامی برای "مسلمانان" لبنان بخاطر ادامه جنگ با "مسيحيان" چیزی جز ادامه سیاست "صدر انقلاب" نیست. اگر رهبران کنونی ایران و عراق از توسعه طلبی و "صدر انقلاب" دست پکشند می توان هرچه زودتر به صلح پایدار میان دوکشور دست یافت.

نواندیشی در عرصه جهانی است.

دکرگونسازی پاسخ شایسته ایست بد نیازهای زمان و ضرورت رشد بیشتر سوسیالیسم. در عین حال پاید خاطر نشان سازم که کاستی ها و خطاها و کثرتی هایی که در گذشت وجود داشته، هیچ وجه مشترکی با ماهیت سوسیالیسم پیشای انسانی ترین نظام اجتماعی دارد. کزی ها و کاستی ها نه بخاطر ناتوانی سوسیالیسم، بلکه بخاطر بیشتری برداری نایسته از آن است.

حزب ما نیز مانند همه نیروهای مترقب جهان امیدوار است دکرگونسازی در کشور شوراهای انتیکاریتی که این نظام را همچه زودتر آشکار سازد تا سوسیالیسم، این نظام عادلانه که بی تردید در آینده زندگی اجتماعی پیشریت به نام آن رقم خواهد خورد، چشم اندیزی جاذب تر و مطمئن تر از پیش در افق نگاه پیشریت پیشاید.

نظام های متنکی بر پیش رکشی انسان از انسان در بهترین حالت، شرایط زندگی مناسب را تها برای بعضی ممیزی از اعضای جامعه فراهم می کنند و در روند توسعه تضادهایشان توده های انبوه انسانی را به کام نقر و گرسنگی و بی خانمانی می افکنند. وجود میلیون های بیکار و بی داری گواه راستین این مدعای است.

ما هفتاد و دومن سالروز انقلاب سوسیالیستی اکبر را به همه زحمتکشان اتحاد شوروی و کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقب و صلح دوست سراسر جهان و از جمله اعضاء و هاداران حزب توده ایران شادباش می گوییم.

کوششی دیگر ...

خبرگزاریهای غربی، به هنگام مانور اخیر نیروهای دریائی ایران در خلیج فارس روی داده و گویا طی آن، قایق توبیدار ایرانی به یک یدک کش عراقی شلیک کرده و باعث مرگ یک سرنشین آن گردیده است، کرچه از سوی ایران پشت تکذیب شد، شکننده بودن آتش پس را نشان داد. بی تردید بهترین راه برای برقرار کردن صلح پایدار میان دوکشور همسایه و دو خلق پرادر، اجرای قام و قام قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به همان ترتیبی است که در خود قطعنامه پیش بینی شده است. اما باید گفت که رژیم های ایران و عراق، ضمن ادعای صلح خواهی و متمهم کردن رقیب به تلاش برای کسب امتیازات یکجانبه، هر دو دارای نیات نایاکی نیز هستند.

رهبری عراق می کوشد با عدم اجرای قطعنامه ۵۹۸ و نکهداشتن نیروی نظامی خود در خاک ایران، ابطال پیگانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را تحمیل و اروند رود را بر خلاف عرف بین المللی، تا ساحل ایران متعلق به خود اعلام کنند. رهبری ج. آ. هم حتی پس از به شکست کشاندن ایران در جنگ هنوز دست از آزوی "صدر انقلاب" نکشیده است. مثلاً مسئله

راه اکابر ادامه دارد

پیرامون همه این مسائل برای درک بهتر ریشه دشواریهای کنونی و تعیین وظایف نوین و نیز خشکاندن زمینه تکرار اشتباہات گذشته در آینده صحبت می شود. این همه برای آن است که سوسیالیسم شکوفاتر گردد و راه خود را با اعتماد بیشتری به پیش بکشاید.

در این پیوند، دشمنان و مخالفان سوسیالیسم دست به تبلیغات گسترده ای زده اند. "شکست سوسیالیسم"، به مضمون اصلی کارزارهای کمونیسم سیزی امپریالیسم و ارتجاع تبدیل شده است. آنها سرایا تاریخ اتحاد شوروی را تاریخ "اشتباهات" و "شکست ها" و آن را ناشی از ماهیت نظام سوسیالیستی زایدیه انقلاب اکبر معرفی می کنند. این ادعاهای جزیه تان و دروغ نیست. چنین پرخوردی تنها نشان کیهه طبقاتی و نفی واقعیات انکارناپذیر است.

تاکنون هیچ رویدادی در تاریخ همانند انقلاب اکبر تأثیری چنین ژرف و نیرومند بر رشد پیشریت بر جای نگذاشته است. با وجود مشکلات فراوان در کشورهای سوسیالیستی، امروز نیز مارکسیسم - لینینیسم افکار و اندیشه میلیون ها انسان را جذب کرده است.

هم اکنون در اتحاد شوروی، حزب کمونیست با دریافتی نوین از واقعیات جهان امروز، سرگرم پیشبرد استراتژی دکرگونسازی و دمکراتیزه کردن و علیت برای شتابان سازی رشد اجتماعی - اقتصادی در جامعه و نیز دمکراتیزه کردن مناسبات بین المللی دربرتو

برخاسته، بی اعتبار سازد. اعتبار حزب ما با فدکاری و از جان گذشتگی های اعضاش، با بیکار علیه دشمنان خلق، با مبارزه بی امانت در راه منافع توده های محروم و با نبرد در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی پیوند ناگستین دارد.

پرسشن - در این اواخر رژیم می کوشید تا سوسیالیسم را "تام شده" جلوه گر سازد. می گویند دوران مارکسیسم پسر آمده است و برای اثبات نظر خود از تغیر و تبدلات در شوروی غونه من آورند.

پاسخ "ن. م." - آری جنگ روانی گسترده ای علیه سوسیالیسم در جهان است. در جمهوری اسلامی نیز گفته ها و نوشته های "نظریه پردازان" غرب تکرار می شود. اما، معتقدان واقعی سوسیالیسم علمی را نمی توان با تشدید جنگ روانی فریب داد و از میدان مبارزه خارج ساخت.

سوسیالیسم نظریه جهانشمولی است که افکار میلیون ها انسان را بخود جذب کرده است. نظام سوسیالیستی عادلانه ترین نظامی است که پیشریت تا به امروز سراغ دارد. قطعاً آینده از آن سوسیالیسم است. در این مورد ما توده ایها کوچکترین تردیدی نداریم. سوسیالیسم تجسم آرمان های انسانها برای دستیابی به عدالت اجتماعی است. می توان سوسیالیسم را "پایان یافته" اعلام کرد، اما نمی توان قانونمندی تعویض صورتی بودی را که تاریخ بشری شاهد آن بوده، نمی کرد.

سوسیالیسم همیشه ، هم در دوران شکوفائی و هم دوران رکود و ... مورد حمله بیرونیانه ضد سوسیالیستها بوده و هست و در

سوسیالیسم تجسم آرمان های انسانها برای دستیابی به عدالت اجتماعی است، می توان سوسیالیسم را "پایان یافته" اعلام کرد، اما نمی توان قانونمندی تعویض صورتی بودی را که تاریخ بشری شاهد آن بوده، نمی کرد.

آینده نیز خواهد بود. طی هفتاد سالی که از انقلاب اکبر می گذرد، بارها سوسیالیسم را به اصطلاح به "خاک سپرده اند" و چنانکه گفته شستین بار نیست که ضد کمونیست های حرقه ای شکست "قطعی" و "کامل" کمونیسم را پیش بینی می کنند.

اما، ما شاهد آئیم که حتی در دشوارترین شرایط برای سوسیالیسم، مارکسیسم - لئینیسم مفرزهای توده اندیوه انسانی را "تصرف" می کنند. البته وقتی ما از سوسیالیسم سخن می گوییم ، مظورمان سوسیالیسم با سیمای انسانی، سوسیالیسم در خدمت انسان و برای تأمین زندگی و آزادی اوست. اشتباه، نارسانی،

عده ای از هواداران حزب که زیر ضربات دشمن مبارزه می کنند، پرسش هایی را مطرح کرده اند و از "نامه مردم" خواستار پاسخ یافته اند.

رفیقی می نویسد: "من سوال ها را بی پرده مطرح می کنم. به اعتقاد من مهم نیست که این سوالات با چه انگیزه ای مطرح می شود هم وجود عینی این سوالات است."

ما، کاملاً با این نظر موافقیم . به هر پرسشی، صرف نظر از انگیزه طرح کننده آن پاید بی پرده و صریح پاسخ داد. پاید در نظر داشت پاسخ به پرسش یک فرد زمانیکه این پرسشن یک تواند برای گروه کثیری مطرح باشد شیوه موثر روشنگری نیز هست. از این نظر ما خواهیم کوشید تا به پرسش های مطرح شده پاسخ جامع پدهیم :

پرسشن - در سطح جنبش چه امروز سوالات بسیاری مطرح است. ظاهرا زرادخانه دشمن در عرصه جهانی و داخلی با تمام امکانات پکارگرفت شده است تا کمونیسم، تاریخ کمونیستی، کشورهای کمونیستی، احزاب کمونیستی و شخصیت های کمونیستی و حتی هواداران یک حزب مبارز در شرایط سخت را بی اعتبار و بی ارزش جلوه دهد و

کمونیسم ستیزی و کارزارهای ضد سوسیالیستی پدیده تازه ای در عرصه مبارزه طبقاتی نیست.
پلاقالسله پس از انتشار "مانیفیست
حزب کمونیست" ، مارکس و انکلس مورد حمله شدید
ارکان های تبلیغاتی بورژوازی قرار گرفتند.

میدان را خالی کرده و چارnelع به غارت و چاول پردازند. در این مورد چه می توان گفت؟ پاسخ "نامه مردم" - کمونیسم ستیزی و کارزارهای ضد سوسیالیستی پدیده تازه ای در عرصه مبارزه طبقاتی نیست. پلاقالسله پس از انتشار "مانیفیست حزب کمونیست" ، مارکس و انکلس مورد حمله شدید ارکان های تبلیغاتی بورژوازی قرار گرفتند. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر این تبلیغات را پیش از پیش دامن زد. ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم نمی توانست مرکز سیستم جهانی سرمایه داری را دچار تزلزل نکند.

مشکلاتی که کشورهای سوسیالیستی در مرحله ای از رشد خود با آن روپرتو هستند بهانه ای به دست بیلغان سرمایه داری داد تا حمله به سوسیالیسم را تشدید کنند. بدون تردید انکار وضع مشکل کشورهای سوسیالیستی و نیز وجودباره ای سودرگمی ها در نهضت کمونیستی و کارگری، جز چشم یوشی پر واقعیات نیز تواند باشد. البته در شرایط کنونی نه تنها کشورهای سوسیالیستی ، بل کشورهای رشد یافته سرمایه داری نیز با انواع مشکلات روپرتو

آینده از آن

سوسیالیسم

است

(پاسخ به پرسش پرسشن ها)

مستند. آیا وجود ۲۰ تا ۲۵ میلیون تن بیکار فقط در کشورهای رشد یافته صنعتی و علاج ناپذیری این پدیده ضد انسانی یک مسئله بیش از اقتاده است؟ چگونه است که در ترقیاترین کشور جهان سرمایه داری - ایالات متحده آمریکا - ۳ تا ۵ میلیون انسان بی مسکن هستند؟ آیا گسترش فقر در کشورهای پیشرفتی صنعتی سرمایه داری که به "فتر جدید" مشهور است یک پدیده عادی بشمار می رود؟ آیا وجود فحشا و گسترش بی سابقه آن، رشوه خواری حتی در عالی ترین سطوح دولتی، فساد و دزدی و آدمکشی و اعتیاد و ... در جهان سرمایه داری از جمله معضلات عظیم بشمار می آید؟ مانع خواهی در اینجا از وضع اسفناک و فاجعه آمیز کشورهای "جهان سوم" که برای همه روشان است سخن به میان آورم. این مشکلات را می توان در چند کلمه خلاصه کرد: عقب ماندگی و حشتناک، فقر گستره، بیکاری مژمن، بیسواندی و مرگ روزافزون از گرسنگی و بیماری

باید تصدیق کرد که امپریالیسم دارای دستگاه تبلیغاتی کارا و موثری است و از آن جمله هم برای سریوش گذاردن بر بیماریهای خود و هم برای پزشک جلوه دادن مشکلات سوسیالیسم پهنه می گیرد . ما باید بکوشیم تا علل و عوامل زاینده چیز و وضعی را از بین ببریم . اگر منظور رفقا از بی اعتبار جلوه دادن ماست، در این پاره هم ، همه می دانیم که این روند تاریخ درازی دارد. دشمنان ما همیشه ماهراهانه عمل کرده اند و امروزه ممکن است عمل می کنند. آری، آنها می خواهند ما را بی اعتبار سازند. این کار دائمی آنها می طی ۴۸ سال حیات حزب توده ایران بوده و هست. تباید انتظار داشت که دشمنان طبقاتی ما در آینده نیز از مواضع کنونی شان عقب نشینی کنند. می توان پرسید چه باید کرد؟ پاسخ بسیار ساده و در عین حال پفرخ و مشکل است. باید بکوشیم تا آب به آسیاب تبلیغات دشمن نزینم . اما، هستند افرادی که حداقل جاه طلبی و خود محوریتی چشم و گوششان را پسته است ما بارها گفته ایم این حرفا نیست.

سو تفاهماتی بوجود آورند، اما، هیچ نیروی قادر نخواهد بود حریزی را که از بطن جامعه

ثروت هنگفتی است. آیا امپرالیسم و انحصارهای فرامی به ما امکان دادند از این ثروت بیکران در جهت رشد معقول صنعتی بهره برداری کنیم؟ البته نه با خش قابل ملاحظه ای از این ثروت به شکل سود به کامومندوهای انحصارهای آمریکائی و رئالنی و آلمانی خوبی و ... منتقل شد. با دهها کشور دیگر "جهان سوم" نیز معامله مشابهی شده است. چرا شیفتگان تکنولوژی غرب این مسائل را از مردم پنهان می کنند؟ نه دوستان عزیز، امپرالیسم خصلت خود را از دست نداده است و هیچ وقت به ما "اجازه" دستورهای ناکامده اند، جای کوچکترین های زیادی نیست. سرمایه داری در این تردیدی نیست. کشورها دارای تاریخ بسیار طولانی است. منبع اثبات سرمایه در همه این کشورها نه تنها استمار زحمتکشان خودی، بل در عین حال غارت بی بند و بار دیگر خلق ها در

لزوم وجود داشته باشد؟ روشنفکر ایرانی اگر واقعاً میهن برس است، باید راه ویژه پیشرفت جامعه خود را جستجو کند. مدل رشدی که ما نیاز داریم بهرمه گیری از ممه امکانات در سطح معقول آن است. راه ما باید با توجه به پناعت فنی امروزی، با توجه به سطح رشد اجتماعی - اقتصادی و با توجه به سن و آداب خود متعین گردد.

حال بر می گردم به اتحاد شوروی. اشتباه بزرگی است، اگر تصور شود که مثلاً، اتحاد شوروی با درییش گرفتن نظام سوسیالیستی از قافله تمدن عقب مانده است. هفتاد سال پیش فرامانروایی کشور عقب مانده صنعتی بشمار می روسیه یک کشور حاکم بود. جنگ جهانی اول و متعاقب آن جنگ داخلی و سپس جنگ جهانی دوم خسارات عظیم جانی و مالی برای این کشور بیار آورد. افزون بر آن، چنانکه گفتیم عوامل ذهنی، نارسانی ها و عدوں آشکار از قانونمندیهای ساختمان جامعه سوسیالیستی ... نیز در رشد معقول سوسیالیسم در اتحاد شوروی موثر بوده است. اما، هیچ یک از اینها مانع از آن نشد که این کشور در فاصله تاریخی نسبتاً کوتاهی به یکی از دو ابرقدرت بزرگ جهان تبدیل گردد. چه کسانی می توانند منکر آن شوند که اتحاد شوروی و آمریکا دو ابرقدرت بزرگ جهان هستند که تاثیر فوق العاده ای بر سروشوست آتی پیشوت دارند.

ما، بدون اینکه بخواهیم مشکلات عظیم، آری، تکرار می کنیم مشکلات عظیم اقتصادی را که کشورهای سوسیالیستی دچار آن هستند پرده پوشی کنیم، به هیچ وجه با کسانی که می خواهند دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم را زیر علامت سوال ببرند، موافق نیستیم. در کشورهای سوسیالیستی با دسترسی زحمتکشان به ساختمان جامعه سوسیالیستی ادامه داده می شود. دولت های کشورهای سوسیالیستی نه تنها خلق های دیگر را استعمار نمی کنند، بل در حل مشکلات به آنها پاری نیز می رسانند. ما گفتیم و بار دیگر تکرار می کنیم، هیچویه هایی که مانع رشد مستمر سوسیالیسم گردیده، خصلت سوسیالیستی نداشته اند. اگر

آینده از آن سوسیالیسم است

هستند که دانسته و یا دانسته به تبلیغ علیه سوسیالیسم از طریق پرجسته کردن دستاوردهای غرب، می پردازند.

اینکه آمریکا و رئان و دیگر کشورهای جهان سرمایه داری در زمینه دستیابی به تکنولوژی مدرن به پیشرفت های زیادی ناکامده اند، جای کوچکترین تردیدی نیست. سرمایه داری در این کشورها دارای تاریخ بسیار طولانی است. منبع اثبات سرمایه در همه این کشورها نه تنها استمار زحمتکشان خودی، بل در عین حال غارت بی بند و بار دیگر خلق ها در

نادیده گرفتن قانونمندیهای ساختمان جامعه سوسیالیستی قرابتی با سوسیالیسم ندارد و به همین سبب نمی تواند از عناصر مشکله آن بشمار آید.

شیوه اداری - فرامانده به ارش رسیده از دوران استالین و یا کیش شخصیت استالین که جنایات وحشتزدای را هشت سر داشت و نیز شیوه های غیر سر - "یستی اجتماعی - اقتصادی تحیل شده که شرایط دفوله شدن سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را بوجود آورد، هیچ ارتباطی با سوسیالیسم ندارد. همه آنچه بر شمردم شیوه ها و اعمال خذ سوسیالیستی است.

طبعی است که عدم توجه به رشد خلاق مارکسیسم و غایب شدن به قانونمندیهای جامعه سوسیالیستی، رد وجود تضاد در جامعه سوسیالیستی و غیره، در آخرین تحلیل سوسیالیسم را به بیراهه می کشاند. ما معتقدم که سوسیالیسم بدون وجود پلورالیسم نظری سوسیالیستی نمی تواند رشد یابد و الزاماً به بیکانکی در مناسبات انسان ها خواهد آخجید. اگر در سوسیالیسم تولید و پیشرفت اقتصادی در خدمت انسان و رفاه او قرار نگیرد، دیگر این نظام سوسیالیسم نیست.

ما، در مقابله با خذ کمونیست های حرقو ای می گوییم؛ اگر سوسیالیسم و کمونیسم جاذبیتی ندارد و در عرصه بین المللی "شکست خورده"، در اینصورت به چه علت صدها میلیون دلار فقط صرف تبلیغات سوسیالیسم سیزی و کمونیسم سیزی می شود؟

پرسش - در ایران امروز، عده ای در سطوح بالا" از جمله رهبران حاکمیت، مدیران کل، تکنولوگیهای در خدمت روز و برخی

وقتی ما از سوسیالیسم سخن می گوییم، منظور ما سوسیالیسم در خدمت سیمای انسانی، سوسیالیسم در خدمت انسان و برای تامین زندگی و آزادی اوست. اشتباه، نارسانی نداشته اگر فرقتن قانونمندیهای ساختمان جامعه سوسیالیسم ندارد

دیگر از روشنفکران با نوعی شیفتگی به جهان غرب می نگرند و از دستاوردهای فنی آن فارغ از مسائل اخلاقی و هومانیسم و غیره - سخن استدلالی کودکانه نیست؟ بردارم تاریخ ۲۰۰ ساله آمریکا را مطالعه کنیم تا روش شود که ما هیچگاه قادر به طلب این راه نخواهیم شد. راه رشدی که به ایران تحمیل شد، راه رشد سرمایه داری وابسته بود. حداقل در سه دهه اخیر ایران بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد نفت داشت. این

با سخن "ن. م" - چنین ارزیابی ای از جواب عدیده غیر منطقی است. البته منظور ما ایرانیانی

آیا فراموش کرده ام که دهها سال
نهفته خام ایران از فروش می رسید
که لاز و هشتاد سنت به فروش می رسید
و تازه نصف آن نیز به دست ایرانیان
نمی رسید؟ آیا فراموش کرده ام که
هزاران ایرانی بروی انبار عظیمی از
طلای سیاه "از گرسنگی می مزدند و
اگرور نیز سرمه است برتری ندارند؟

آن. بنابر این اگر معایب ناشی از مالکیت
خصوصی و از جمله استثمار انسان از انسان
از آن زدوده شود، به چه علت نباید از آن
به سود پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی
سوسیالیسم بفرمود. مالکیت باید حامل
افزایش بازده کار باشد، نه مانع و سد راه آن.
اگر هدف ساختمان جامعه سوسیالیستی
بر پایه جهان بینی علمی با افرم های حاکمیت
دموکراتیک و کنترل دموکراتیک است، برای چه
طرقداران سوسیالیسم علمی نباید از بخش
عمده آزادیهای دموکراتیک به اصطلاح بورژوازی
که محصول مبارزه خونین رحمتکشان است،
استفاده نکنند و آزادیهای اجتماعی - اقتصادی
را هم به آنها نیازداشند؟

در باره بحث پیرامون مسئله مالکیت
در شوروی سوالات متعددی مطرح شده
است.

پرسش - آیا در اتحاد شوروی مالکیت
اجتماعی بر وسائل تولید نفی می شود و
مالکیت های ملی شده ملتفی خواهد شد؟ اصولاً
بحث پیرامون مالکیت حول کدام محور و یا
محورها دور می زند و منظور از بیکانه گرانی
در مالکیت که گویا زاییده "بی هویت" بودن
مالکیت است، چیست؟ مگر در کشورهای
رشد یافته صفتی بیکانه گرانی در مالکیت
مانع رشد علم و تکنیک و تکنولوژی و بازده
کار است؟

پاسخ "ن. م" - پاسخ به این همه
پرسش ها در چارچوب محدود بسیار مشکل
است. در این زمینه حداقل هزاران مقاله در
مطبوعات شوروی انتشار یافته است. پهلویان
ما، می کوشیم تا چکیده نظرات موجود در
این زمینه را با خوشنودگان در میان بگذارم.
هدف اساسی عبارت است از زنده کردن
دو شعار عده انقلاب اکثر یعنی: کارخانه ها
از آن کارگران و زمین از آن دهقانان.

می گویند این شعارها در شکل مورد
نظر لینین تحقق نیافت. نخست استالین و سپس
دیگر رهبران در اتحاد شوروی، اصل لینینی
مالکیت اجتماعی را به شکل تحریف شده به
موقع اجرا گذاشتند. مالکیت اجتماعی بر
وسائل و ابزار تولید به مالکیت دولتی مبدل
گردید و بدینسان "هویت" خود را از دست
داد.

البته مالکیت دولتی به معنی ملی شدن
ابزار تولید بینیج وجه نفی نی شود. ملی
کردن، یعنی تبدیل مالکیت خصوصی بر

آن در گذشته، ما قاطعانه در راه سوسیالیسم
پیش خواهیم رفت.

ما می گوییم دگرگونسازی، یعنی
نوسازی سوسیالیسم نه دموکراسی آن. ما می -
گوییم دگرگونسازی یعنی تحول انقلابی،
برطرف ساختن عوامل دگرگونه سازنده
سوسیالیسم، نه احیاء سرمایه داری. ما
می گوییم دگرگونسازی یعنی احیاء
مارکسیسم سازنده درک نوین نظرات لینین،
استقرار شیوه های نوین کار که طی آن اصل
موضوع، یعنی نیروی بالقوه سازنده خلق و فرد
- فرد انسانها تجلی می کند" (روزنامه
"ایرسوتیا"، ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۹).

اگر اشتباه نکنیم، رفیق گاریاچف در
مقالات با ولی براندت صدر اترنایسیونالیسم
سوسیالیستی ضمن توضیح پیرامون سرنوشت
سوسیالیسم از جمله گفت که محلات معینی در
غرب می خواهند رویدادهای کشورهای
سوسیالیستی را پیتابه فروریزی سوسیالیسم و
ایدئولوژی آن عرضه کنند. درواقع آنچه در
کشورهای سوسیالیستی می گذرد، تلاش برای
پیدا کردن بهترین و مناسب ترین پاسخ برای
رشد معاصر سوسیالیسم است. به گفته وی،
رشد آتی سوسیالیسم در چارچوب رشد عمومی
تمدن معاصر، از طریق اتخاذ بهترین ارزش های
جامع و نهضت های اجتماعی برای خدمت به
انسان ها، قابل درک است. طبیعی است که در
این مورد نیاز به کار همه جانبه نظری، سیاسی
و فرهنگی است.

رقاً حتماً می دانند که پس از انقلاب
اکبر، لینین کام های اویله در راه ایجاد جامعه
سوسیالیستی را پرداشت. سنگ پایه اقتصادی
و سیاسی و ایدئولوژیکی سوسیالیسم عبارت
بود جامعه فارغ از استثمار انسان از انسان و
تامین نیازهای اجتماعی توده های زحمتکش .

کشورهای سوسیالیستی، این اصول دموکراتیک
و انسانی سوسیالیسم کماکان پایر جاست.
لینین می گفت که سوسیالیسم، یعنی نظام
تعاونیهای یافرتهنگ، یعنی بفرموده گیری از
دستاوردهای فرهنگی گذشته به سود
زمینکشان. منظور ایجاد چنان نهادهای
دموکراتیکی است که دستاوردهای تمدن پیشی
را گرد آورده و به قصد تامین سعادت انسان ها
در خدمت آن ها قرار دهد. برای دستیابی به
آرمان واقع انسانی، حتماً باید از باره ای
دکم های رایج در سال های گذشته، دست
برداشت. پاید به برخوردهای قالبی پایان داد.
هم اکنون در اتحاد شوروی بحث بر سر
کنارگذاردن تفسیر و توجیه یک جانبه
مالکیت، کالا، پول، بازار، سود و ... است .
این نه به معنای روی آوری به سرمایه داری،
بلکه دوری جستن از سکتاریسم و جنم گرانی
است.

حرف بر سر آن است که طی قرن ها
تمدن بشری مقوله های شکل گرفته که نایابد
آنها را نادیده گرفت. مثالی می آورم. چرا
احزاب کمونیست مخالف مالکیت خصوصی بر
ابزار تولید هستند؟ به علت خصلت استماری

کشورهای سوسیالیستی می - گویند تا به این
شیوه پایان دهند.

پرسش - رژیم و مبلغانش می گویند و
می نویسند که تحولات اخیر در اتحاد شوروی
هدف نئی نظام سوسیالیستی را تعقیب می کند.
پاسخ "ن. م" - همه دشمنان سوسیالیسم
در سراسر جهان چنین نظری را اشاعه می -
دهند. اما، این ادعا با واقعیت فرستنده فاصله
دارد. آنچه مربوط به اتحاد شوروی است، باید
کفت که حزب کمونیست آن کشور دگم های
فرسوده و احکام ضد لینینی به اirth رسیده از
دوران فرمادروانی استالین را که در ایام رکود
نیز بشکلی دیگر رواج داشت، رد می کند.
در اتحاد شوروی می خواهند مارکسیسم -
لنینیسم را خلاقانه بر شرایط کنونی رشد
سوسیالیسم انتظامی دهند.

تئوری دگرگونسازی که از جمله
دموکراتیزه کردن همه شئون زندگی و علمی و
کوتاه سخن نوادرانشی در حل مضلات داخلی
و خارجی را در برو می گیرد، مدفنش نه رد و یا
نهی سوسیالیسم، بلکه بفرموده برداری از نیروی
بالقوه عظیم سوسیالیسم به قصد نوسازی آن در
اتحاد شوروی است. کسانی که در ایران
می خواهند اتحاد شوروی را یک کشور به

حداقل در سه دهه اخیر ایران بیش
از ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد
نخست داشت، این تزویت هنگفتی است.
این امپریالیسم و انحصارهای فرامیانی به ما
امکان دادند از این تزویت درجهت
رشد مق قول صنعتی بهره برداری کنیم؟

اصطلاح عقب مانده از لحاظ تکنولوژیک معرفی
کنند، البتہ راه سفسطه و تحریف واقعیات را در
پیش گرفته اند. کشوری عقب مانده از لحاظ
فنی و تکنولوژیک چکونه می تواند، نقش
پیشوای را در تسخیرشنا اینها کند و یا به توازن
نظمی با جهان سرمایه داری نائل آید؟ البتہ در
اینجا نیز مدعی پیچیج و چه نفی برتری ژاپن و یا
آمریکا بر اتحاد شوروی از لحاظ تکنولوژی
پیشرفت در عرصه های کوناگون دیست. خود
دانشمندان شوروی انکار غیر می تواند که به علی
بعد از سال های شصت در این زمینه توانسته
اند پایپای کشورهای نامبرده پیش روند.

مجموعه استاد مربوط به کنکره بیست و
هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی، پلثوم های
کمیته مرکزی آن کشور و مدارک مربوط به
از زیانی هفتاد سال استقرار سوسیالیسم در اتحاد
شوروی و نیز استاد نوزدهمین کنفرانس حزب
که هر یک پیونه خود دارای اهمیت توریک و
پراتیک بسیار است، ادعای دشمنان را دایر بر
نهی سوسیالیسم در شوروی انکار می کنند. در
این استاد از اصول و موازنین نظام سوسیالیستی
قویا دفاع می شود. میخانیل گاریاچف،
دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی می گوید: "مردم ما در اکبر سال
۱۹۱۷ انتخاب خود را کرده اند. صرف نظر از
دگرگونه شدن سوسیالیسم و اندیشه های لینینی

آینده‌ها را آن سوسياليستیم است

پاسخ پرای ما سهل تر می‌بود. زیرا ما با مشکلات کشورمان آشنا هستیم. در مورد دیگر کشورها اعم از سرمایه داری و سوسياليستی ارزیابی ماستند بر آمار و استناد و مدارک منتشره است و نمی‌تواند از آن محدوده خارج شود.

عوامل عدیده ای بحران کنونی در شوروی را موجب گردیده است. مثلاً، من توان از عامل موثر مسابقه تسلیحاتی تحمیل شده از جانب امپریالیسم آغاز کرد. به نظر من رسید، رهبری گذشته توانست به موقع خود مضمون و محتوای سیاست مسابقه تسلیحاتی امپریالیسم را آن طوری که باید و شاید درک کند، گزینه نظریه پردازان امپریالیسم مقاصد خود را پنهان نمی‌ساختند. آنها می‌گفتند که هدف تصفیه بنیه مالی و اقتصادی شوروی و در تیجه ایجاد بحران اقتصادی در آن کشور است.

بدون تردید وضع در سالهای ۵۰ و ۶۰ میلادی با وضع در حال حاضر فرق زیاد داشت. در آن ایام اتحاد شوروی از لحاظ نظامی ضعیف تر از ایالات متحده بود و طبعاً این وضع تأثیر روحی و پیروزی ای داشت. برای جلوگیری از فشار سیاسی و شانتاز امپریالیسم، شرکت در مسابقه تسلیحاتی تا زمان و حد و مرز معین قابل درک و فهم بود. اما، امروز همکان برآتنده که انسانیت سلاحهای کشتار جمعی و از انجلمه هسته ای به اندازه ای است که می‌تواند چندین بار مدن بشیری را نابود سازد. آن نیازی به این همه تسلیحات بود؟ حتی در آن ایام روشن بود که اقتصاد کشورها در درجه اول اتحاد شوروی قادر به تحمل این بار سنگین نبود. رکودی که امروز از آن یاد می‌گفتند از جمله زائیده سیاست مسابقه تسلیحاتی است.

اکنون پس از دسترسی به ارقام، روشن شده که تولید کالاهای مصرفی بادام و بی دوام و نیز تولید مواد غذایی مورد نیاز مردم در اتحاد شوروی در سطح بسیار پائین بوده است. طبق آماری حدود ۱۰ درصد از کل موسسات صنعتی شوروی به تولید اینکونه کالاهای اختصاص داشتند. پوشیده نیست که صنایع سنگین در خدمت تولید تجهیزات نظامی بود. وانکه عرصه های فضایی و نظامی به تکنیک و تکنولوژی مدرن و پیشرفت مجهز بودند، درحالی که صنایع مصرفی در وضع ناهنجاری قرار داشتند.

بوروکراتیسم، شیوه فرماندهی - اداری و نیز دکماتیسم به معنای عدول از اصول و قانونگذاری اینی ساختمان سوسياليسم و رشد خلاق سوسياليسم در پیوند با روح زمان، از جمله عواملی بودند که ضربات سنگینی بر اقتصاد وارد آوردند.

دگرگونسازی ، دمکراتیزه کردن و علیت آن حریه های هستند که باید نوسازی سوسياليسم را تامین کنند. به معنی سبب دگرگونسازی را انتقلابی در انتقال و ارائه راه حزب بلشویکها در شرایط تاریخی نوین می‌نمایند.

شود. به نظر ما، در اتحاد شوروی عدم تناسب میان فراوانی نظرات تئوریک و کار عملی آشکارا به چشم می‌خورد. به بیان دیگر کار توسعه ای سوسياليسم آن طوری که باید و شاید پیش نمی‌رود. درحالی که اکثر اقتصاددانان پیرامون مسائل مهم مالکیت و شیوه های نوین اداره اقتصاد و ضرورت حسابداری اقتصادی و ... بحث می‌گشتند، مهمترین موضوع، یعنی مدرنیزه کردن تولید، پراسانس بکارگیری تکنولوژی مدرن و بالابردن سریع بازدهی کار در درجه سوم اهمیت قرار دارد. تقریباً بحث مولوی دریاره بالابردن سطح فرهنگ تولید، فرهنگ سازماندهی تولید، همسانی و همپوندی تولید و دانش ... انجام نمی‌گیرد.

البته دگرگونسازی در اتحاد شوروی فقط محدود به مسائل پیش گفته نیست. ما، با این نظر کاملاً موافقیم که دگرگونسازی در سوسياليسم از نظر اقتصادی عبارت است از تغییراتی در زمینه برخورد به مالکیت از سوی و یافتن مکانیسم اقتصادی نوین برای سازماندهی و ایجاد انگیزه موثر جهت فعالیت علمی انسانها از سوی دیگر. و اما در عرصه سیاسی، دگرگونسازی عبارت است از تسریع روند دمکراتیزه کردن همه شئون برای تامین حاکمیت واقعی خلق، ایجاد حکومت ملکی بر قانون در هر دو زمینه پیشگفته نیاز به نوادریشی به معنای نکرش نوین به ساختمان جامعه سوسياليستی بچشم می‌خورد.

رونده شکل گیری قانونگذاریها، آهنگ پیشروی و پیروزه خوبیش را دارا است که تناسب عوامل عینی و ذهنی رشد را تعیین می‌کند. نادیده گرفتن آن خواه ناخواه مشکلات و نارسانیهای جدیدی را موجب می‌گردد که کشورهای سوسياليستی با آن رویارو هستند. به همین سبب در اتحاد شوروی می‌کوشند هر آنچه مانع پیشرفت سوسياليسم و سد بروز ماهیت انسانی آن است، از بین برده شود. تغیر جدی در مناسبات مالکیت یکی از عده ترین عوامل موقیت دگرگونسازی بشمار می‌گوید هدف زدودن بیکانگی انسان با وسائل تولید و محصول کار است. میخانیل کارپاچ در توضیح پیرامون مستله "بیکانگی با مالکیت" در سوسياليسم می‌گوید هدف سپردن اهرم های اقتصاد بدست زحمتکشان است. در واقع حرف بر سر آن است که از طریق اصلاحات بینیادی حاکمیت اقتصادی به زحمتکشان سپرده شود. به دیگر سخن، حرف بر سر رفع بیکانگی زحمتکشان با حاکمیت از طریق بهره گیری از هتانسیل مالکیت اجتماعی در سوسياليسم است.

پرسش - ارزیابی حزب ما در مورد بحرانی که رهبران شوروی از آن سخن می‌گویند چیست؟ پاسخ "ن. م" - البته اگر رفاقت دریاره ارزیابی بحران در کشور ما می‌پرسیدند،

عامل استثمار فرد از قدر به مالکیت همه خلتی یکی از دستاردهای سوسياليسم است و نهی آن جز چمنی بازگشت به عقب - سرمایه داری - معنی و مفهوم دیگری نمی‌تواند داشته باشد. در اتحاد شوروی بحث پرس و واکذاری مالکیت دولتی به زحمتکشان است. در این زمینه می‌خواهند از شیوه های گوناگون مالکیت - مالکیت اجتماعی ، مناسبات اجرایی مالکیت شخصی، مالکیت تعاونی، مالکیت هفقاتی بزمی، ایجاد شرکت های صنعتی و ... بهره گیری گشتند. هدف پیداکردن راههای تسریع تغییرشی تحول اقتصادی و پیشبرد اهداف دگرگونسازی است.

رقانی که پرسش های بسیار بفرج مربوط به مالکیت در چارچوب دگرگونسازی را مطرح کرده اند نباید در انتظار پاسخ قطعی از جانب ما باشند. حقت هم روشن است. ما اطلاعات دقیق از تاثیر وضع مالکیت در اتحاد شوروی و یا دیگر کشورهای سوسياليستی در رشد اجتماعی - اقتصادی و یا بالابردن بازده کار و غیره نداریم. تا آنجا که ما می‌دانیم در پرخی از کشورهای سوسياليستی مسئله "بیکانه گرانی در مالکیت" و تاثیر آن در مدرنیزه کردن و یا بالابردن بازده کار، نیاز به پاسخ دارد. مثلاً پرخی از رقتا موضوع را از این دیدگاه در ژاپن و افزایش سریع بازده کار در آنجا در ارتباط با "بیکانه" نبودن زحمتکشان ژاپن با مالکیت است؟ به دیگر سخن این رقتا می‌گویند در مالکیت بیکانه اند و انگیزه کارگران نسبت به مالکیت بیکانه اند و انگیزه کار در هیچ یک از این کشورها مالکیت بر ابزار تولید نیست.

البته این نظر صحیح است. در کشورهای سرمایه داری "نظام ویژه ای" برای واداشتن کارگر به کار وجود دارد. اگر کارگر تایم اراده کارفروما نباشد، بیکانه منبع ادامه حیات را ازدست خواهد داد. بیوژه اینکه در همه کشورهای سرمایه داری بازار کار چند میلیون نفری وجود دارد. یعنی در بازار کار میلیونها انسان در جستجوی کارند. در کشورهای سوسياليستی و بطور مشخص در اتحاد شوروی پتابیه کشور مورد بحث وضع چنان نیست.

باید گفت پرخی از دانشمندان اقتصاد در شوروی اصولاً مخالف واکذاری موسسات صنعتی به کارگران و کارکنان از طریق ایجاد شرکت های سهامی هستند. به نظر آنان چه فرقی میان مالکیت شخصی (سهام) و مالکیت خصوصی وجود دارد. هستند افرادی که صاحب "ثروت نامشروع" اند. آیا، آنها نمی‌توانند سهام بیشتری بدست آورند؟ گفته می‌شود که سهام موسسات به کارکنان آنها فروخته خواهد شد.. در اینصورت می‌توان پرسید: تکلیف کارمندان دولت که قانوناً از جمله مالکان ابزار تولید اجتماعی شده مستند، چیست؟ اینکونه پرسش ها در مطبوعات تخصصی بسیار مطرح می

* اخیراً شرکت "سایپا" کارگاه موتراو اتموبیل رنو، به بهانه پائین بودن سقف تولید، اقدام به بازخرید کارگران کرده است. این بار حدود ۱۵۰۰ نفر از کارکنان بازخرید می‌گردند و بجای پرداخت مبلغی به عنوان بازخرید، پیش بینی شده است به هر دونفر کارگر که بالای ده سال سابقه کار داشته باشد، یک اتموبیل "رنو" بدنه تا در بازار آزاد به فروش برسانند.

* یکی از سه‌رستان "کارخانه ایران پویا"، بدليل روزه خواری در ماه رمضان از کار اخراج شد. در مرداد ماه نیز ۲ تن از کارکنان اخراج گردیدند.

* در اوخر تیرماه ۳۵ نفر از کارگران کارخانه پنز خاور به دلایل واهی گوناگون از کار اخراج شدند.

* در کارخانه "ایران خودرو" ، اوایل تابستان فرم بازخرید بین کارگران پخش شده است. گفته می‌شود که مدیر عامل "شرکت ایران خودرو" گفته است که ۲ هزار پرسنل مازاد بر احتیاج در کارخانه وجود دارد.

* در خرداد ماه سال جاری، بدليل کمبود مواد اولیه، ۲۵ نفر از کارگران "کارخانه فیبر البرز" (واقع در بابلسر) بازخرید اجباری شدند. خصلت اجرایی بازخریدها موجی از مقاومت کارگران را پر انگیخت. با این وجود ، عده ای بازخرید و اخراج شدند.

* "کارخانه فرش ایران" واقع در گیلان با تعدادی از کارگران خود را بازخرید کند. این امر با مقاومت کارگران روپرورد. دلیل بازخرید کمبود مواد اولیه ذکر شده بود.

* در کارخانه فولیوان قم ، مدیریت حکم اخراج یکی از کارگران را صادر می‌کند. این حکم با اعتراض شدید کارگر اخراجی روپرور می‌شود . پس از درگیری لفظی میان او و مدیر فنی، کارگر مفترض را به کمک زاندارم بیرون می‌کنند. در پی اخراج این کارگر، موجی از نارضایتی کارخانه را فرا می‌گیرد و سه‌رستان همه قسمت‌ها طی نامه‌ای از سمت خود استغفاء می‌دهند. بدین ترتیب ، کارخانه عملاً به حال تعطیل در می‌آید.

در سومین روز تعطیل کارخانه سه‌رستان با واسطه اداره کار به سر کار خود بر می‌گردند. کارگران فولیوان هر چند موفق نشدند کارگر اخراجی را به سر کار برگردانند، ولی حرکت یک پارچه آن ها سبب گردید حتی عوامل وابسته به مدیریت و اجمان اسلامی مجبور به جانبداری از کارگران شوند.

۶۸ را بشدت کاهش داد و تولید روزانه کارخانه به همین دلیل به ۳۰ تلویزیون رسید. علی‌غم همه مشکلات، کارگران و دیگر کارکنان کارخانه با یکپارچگی توانستند کارخانه را حفظ کرده و اجازه ندهند تعداد بسیاری از کارگران بیکار شوند.

مقامات سازمان صنایع ملی با مشاهده این وضع مجبور شدند مدیر عامل را عوف کنند. درحال حاضر، کلیه پرسنل سپاه از کارخانه بیرون رفته و تنها دونفر برابر نگهبانی از مالین آلاتی که وارد کارخانه کرده بودند، باقی مانده اند.

اعتراض کارگران "نیرپارس"

طی چند ماه اخیر، در شرکت "نیرپارس" حقوق و دستمزد کارگران به بهانه های واهی با تاخیر پرداخت می‌گردد. کارگران تنها موفق شدنده‌سی از اعتراضات بسیار، حقوق اردیبهشت ماه را به صورت کامل دریافت کنند. ولی حقوق خرداد و تیرماه پرداخت نشده است.

تشکیل شورادر "سیمان آبیک"

کارگران "سیمان آبیک" موفق به تشکیل شورا در واحد تولیدی خود شدند. مدیریت و اجمان اسلامی کارخانه "سیمان آبیک" (واقع در بیاده کرج - قزوین) با تشکیل شورا در کارخانه که خواست کارگران بوده است، بشدت مخالفت می‌ورزیدند. اجمان اسلامی که از جانب امام جمعه و دیگر مقامات رژیم در قزوین حمایت می‌شود، کارشکنی بسیاری برای جلوگیری از تشکیل شورا کرد. ولی علی‌غم تهدید و ارعاب و دیگر اقدامات اجمان، کارگران در بهار سال ۶۸ انتخابات شورا را با موقتی برگزار کردند.

اجمن اسلامی وقتی توانست جلوی تشکیل شورا را بکیرد، درصد پرآمد تا عناصر خود را به درون شورا پفرست. اما کارگران با هشیاری اجازه ندادند تا شورا به دست اجمان اسلامی بیفتند.

یکی از خواسته‌های کارگران بازگرداندن ۱۵ نفر کارگر اخراجی بوده است که به دلیل عدم حضور در جهه به درخواست اجمان اسلامی اخراج شده اند.

شورا به پیکری این خواست کارگران پرداخت و توانست با کوشش زیاد موقت اداره کار شهرستان قزوین را با بازگشت به کار این کارگران جلب کند. اجمان اسلامی همچنان با بازگشت به کار این ۱۵ نفر مخالف بوده و شورا را متمم به حمایت به شور می‌دهد، با ذکر دلایل و مدارک مستند ثابت می‌کردد که این واحد نه تنها ضرر می‌دهد، بلکه می‌تواند سودآور هم باشد و علت اصلی زیان دهنده کارخانه در این مدت و نیز توطئه مشابه در کارخانه "ازمایش" عقیم ماند.

در ادامه این مبارزه، کارگران با مراجعات مکرر به نخست وزیری، مجلس و... اعتراضات خود را اعلام کردند. شایندگان کارگران در مقابل این ادعا که کارخانه شور می‌دهد، با اذکر دلایل و مدارک مستند ثابت می‌کردد که این واحد نه تنها ضرر می‌دهد، بلکه می‌تواند سوه مدیریت و عدم بکارگیری سیاست اصولی است.

در پی کامیابی مبارزات تردد های وسیع مردم و در پیشایش آنها کارگران و زحمتکشان علیه سیاست جنگ ملیانه رژیم و تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به خمینی، کارگران این واحد تولیدی نیز در ادامه اعتراضات خود، موقع گردیدند مواقعت مقامات مسئول را به ادامه کار کارخانه جلب کنند. سپاه که وضع را چنین دید با اعمال نفوذ سهمیه ارزی این واحد برای سال



گزارشی از کارخانه رادیو-تلویزیون پیام

از حدود دو سال پیش، توطئه تحويل دادن کارخانه "پیام" به سپاه طرح ریزی شد. جهت اجرای این توطئه، مدیر عامل جدیدی به کارخانه راه یافت و با تظاهر به دلسوزی به حال کارگران و کارخانه، زمینه چشمی هایی کرد تا کارخانه را تغییل سپاه دهد. او هدف خود را چنین برملا کرد که کارخانه سود ده ندارد و برای حل مشکل تولید به سپاه پیشنهاد داده است تا کارخانه را جهت تبدیل خط تولید آن به صنایع نظامی - الکترونیکی تحويل بکیرد. کارگران با یکپارچگی در مقابل این سیاست دست به مبارزه زدند.

پس از چندی، پاسداران به زور وارد کارخانه شده و دستگاهها و ماشین آلات وارداتی خود را نیز به کارخانه منتقل کردند. اما با این وجود توانستند کارگران را وادار به پذیرش تغییر خط تولید کنند.

ابتدا شخصی بنام دکتر غنی از طرف سپاه به کارخانه آمد و پس از "ارشاد" کارگران، پیشنهادهایی از قبیل بازخرید با مبالغ زیاد یا معروف به کارخانجات دیگر ارائه کرد، ولی مورد قبول هیچ یک از کارگران واقع نشد. پس از آن مدیریت به شیوه ارعاب و تهدید به بازداشت کارگران متوصل شد که آن هم موقتی بیار نیاورد. آنگاه اعلام شد که کارخانه به مدت ۳ تا ۶ ماه تعطیل خواهد بود، اما حقوق کارگران پرداخت خواهد شد. این توطئه نیز با آگاهی کارگران از نقشه سپاه جهت تسخیر کامل کارخانه در این مدت و نیز توطئه مشابه در کارخانه "ازمایش" عقیم ماند.

در ادامه این مبارزه، کارگران با مراجعات مکرر به نخست وزیری، مجلس و... اعتراضات خود را اعلام کردند. شایندگان کارگران در مقابل این ادعا که کارخانه شور می‌دهد، با اذکر دلایل و مدارک مستند ثابت می‌کردد که این واحد نه تنها ضرر می‌دهد، بلکه می‌تواند سوه مدیریت و عدم بکارگیری سیاست اصولی است.

در پی کامیابی مبارزات تردد های وسیع مردم و در پیشایش آنها کارگران و زحمتکشان علیه سیاست جنگ ملیانه رژیم و تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به خمینی، کارگران این واحد تولیدی نیز در ادامه اعتراضات خود، موقع گردیدند مواقعت مقامات مسئول را به ادامه کار کارخانه جلب کنند. سپاه که وضع را چنین دید با اعمال نفوذ سهمیه ارزی این واحد برای سال

"کابوس"

خواب دیدم،
که مردی زخمی را با تبر،
سرم برند،
شاید به جرمی،
و آنگاه، سیاه پوشی خندان،
گفت که پیش از اینش،
حد جاری کرده اند.
و من، می لرزم،
می گرم،
وبر می خیزم.
تبر،
درخت
و گردن آدمی،
و سری که بار خرد دارد.
تبر،
جوخه،
و پیکر آدمی،
با قلبی که عشق می ورزد،
و کینه می جوید.
و من همچنان در بیداری می لرزم.
و می اندیشم:
که آیا آدمی،
آدمی را سر خواهد برد؟
و تبر بر گردن آدمی فرو می آید،
بجای آنکه داری را دو نیم کند؟
ش. نیکنام

منتشر شد :

پیوتربودیانف

مرکزیت دمکراتیک چیست؟

مسئله های مخفی در انشاء برخی از "تدابیر" ارگان های جاسوسی رژیم در این عرصه، خدمت موثری به نهضت کرده اند پاید به این کار ادامه داد.
مبارزه با دشمن نیاز به جستجوی دائم برای پیدا کردن طرق مختلف خشی ساختن نقشه های شیطانی او دارد. در این باره نسخه واحد و از قبل آمده شده وجود ندارد. پاید دست به دست هم با عقیم گذاردن توطنه های ارگان های سرکوبکر، مبارزه را تقویت کنیم. رفتن به میان توده ها و درآمیختن با آنان یکی از موثرترین راه ها، هم برای مقابله با دشمن و هم برای بسیج توده ها در راه پیکار است.

گستاخی امپریالیسم آمریکا

میفرمی کردند. حالا ناگهان به "جاسوس کویا" تبدیل شده است. مثل اینکه ترازدی مردم آمریکای لاتین حد و مرزی ندارد. امپریالیسم جهانخوار آمریکا بهیچ وجه حاضر به شناسایی حق حاکمیت خلق نیست. چکونه می توان ۲۲ کمپانی را "جاسوس کویا" نامید؟

بی آمدی اتهامی که "اشتکن" به "توريه کا" و زنش و صاحبان سهام ۲۲ کمپانی در پاناما می زند بسیار سنتکین است: هر آمریکایی که با این افراد متابعات تجاری و یا رسمی داشته باشد محکوم به حداقل ۱۲ سال زندان و پرداخت جریمه نقدی هنگفت خواهد شد. این نمونه گویای دیگری از معاو و مفهوم "ازادی" در قاموس امپریالیسم آمریکاست.

هدف وزیر دارایی آمریکا بسیار روشن است: وادرکردن "توريه کا" به استعفا. البته اگر وی "داوطلبانه" کناره گیری نکند، "سیا" وارد صحنه خواهد شد. در آن صورت باید در انتظار کودتای جدیدی بود.

اولاً، در پائین است و ثانیاً، محدود، با وجود این باید از آن در آینده نیز حداکثر استفاده را کرد.
ناگفته پیداست که هیچ مبارزی حق ندارد، در ارزیابی شرایط مبارزه به قدرت و امکانات دشمن کم بیها دهد. درست است که فداکاری و از جان گذشتگی در راه سعادت خلق یکی از خصایل پرجسته توده ایهاست، اما، این بهیچ وجه به معنای بی توجهی به توطنه های دشمنان خلق غی تواند باشد.

انقلابی حرقه ای باید برای خشی ساختن نقشه دشمن، عقب نشینی موقعی به هنگام یورش دشمن را بدست فراموشی نسپارد، یعنی اگر ارگان های جاسوسی در صدد ردیابی هستند، حقایقاً باید فعالیت مخفی را پرای مدت کرچه کوتاه به حداقل تقلیل داد و در صورت لزوم حتی موقتاً قطع کرد و محل سکونت را نیز تغییر داد. بی توجهی به اصول اولیه کار مخفی در شرایط تشدید عمل ارگان های جاسوسی به قصد کشف هسته های مخفی، غیرقابل توجیه است.

مبازان توده ای نباید فراموش کنند که ساوایکیهای در خدمت "وزارت اطلاعات" از " برنامه سابق" دایر بر ایجاد هسته های به اصطلاح حزبی و حتی "حزب جدید کمونیست" و ... دست برداشته اند. ایجاد سازمانی که سرنخ گردانند گاوش در دست وزارت اطلاعات باشد، از نقشه های دیرینه است. در سال های اخیر

ونفر دارایی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که از این به بعد "توريه کا" رهبر پاناما و زن او و نیز ۲۲ کمپانی پاناما شناخته می شوند. حیرت آور است؟ بدون تردید!

اگر پرسند: پاناما کشور مستقل است؟ همه پاسخ خواهند داد آری. پاناما عضو سازمان ملل متحد است و مردم پاناما حق دارند سروشوست خود را تعیین کنند. اما، سران کاخ سفید با این نظر مخالف هستند. آنها حق تعیین سروشوست در پاناما را از آن خود می دانند. چرا؟ برای اینکه کانال پاناما را اشغال کرده اند و حاضر نیستند قرارداد مربوط به تحویل این راه آین استریتیک به مردم پاناما را، پس از پایان مدت امتیاز بواقع آجرا گذارند. برای رسیدن به این هدف دیروز، عمر توریخوس، شخصیت برجسته پاناما و رئیس جمهور پیشین آن کشور را "کشتن" و امروز نوبت "توريه کا" است. مدتی او را به عنوان قاچاقچی مواد مخدو

مبازه همراه با ...

محضوب کمیته مرکزی در زمینه مراعات اکید پنهانکاری و انقباط آهنین است. احتیاط و باز هم احتیاط - چنین است حریه پرندۀ انقلابیون حرفة ای. احتیاط و خونسردی دو عامل موثر موقعیت در مبارزه در شرایط مخفی بشمار می روند.

البته مخفی بودن مبارزه نسبی است. هواداران حزب برای ادامه مبارزه خواه ناخواه باید میان توده ها باشند. حضور فعال در هر محلی که زحمتکشان هستند از وظایف ماست. جز این هم غی تواند باشد. مبارز توده ای در همه جا - در محلات کارگری، در خیابانها، در میادین و مساجد، در مدارس و دانشگاهها، در در کارخانه ها و ادارات دولتی - با مزدوران رژیم روبروست.

می توان پرسید: چرا جاسوسان رژیم با وجود "فالایت شبانه روزی" توانسته اند به آزری شیطانی خویش نائل آیند؟ در اینجا عوامل متعددی موثر بوده و هستند. دریاره مراعات اصول مخفی کاری که باید همیشه مدنظر باشد ما، یادآور شدم. عامل بسیار مهم دیگر حمایت توده های مردم از مبارزان راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی است. می توان همکاری نزدیک مبارزان را بایسته به احزاب و سازمانهای مترقبی و دمکراتیک را در مقابله با پلیس مخفی از نظر دور داشت. گرچه چارچوب عملکرد این همکاری